

## بررسی نقش عناصر تجمع پذیر در تعاملات اجتماعی محله های سنتی

فرزاد رحیمی نژاد<sup>۱</sup>، محمد تیموریان<sup>۱</sup>، محمد پیر محمدی<sup>۲</sup>

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی معماری، گروه معماری، واحد خرم آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، لرستان، ایران

۲- دکترای معماری و مدرس، گروه معماری، واحد خرم آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، لرستان، ایران

rahimifarzad2@gmail.com

### چکیده

محله های مسکونی دارای مکانی هستند که تعاملات و روابط اجتماعی در آن امکان وقوع می یابند و زمینه دیدارهای چهره به چهره شهروندان و گفتگو را فراهم می آورد. محله ها دارای یک سری عناصر شاخص هستند که باعث ایجاد تعاملات اجتماعی می شوند. مکانهایی که برای حضور شهروندان و مشارکت آنان در زندگی جمعیشان لازم است، با وجود نقش موثر تعاملات اجتماعی در ارتقا کیفیت مکان های شهری و همچنین تجربه غنی فضاهای عمومی شهری در شهرهای تاریخی ایران، در ادبیات طراحی شهری کشورمان، جایگاه ویژه این موضوع در فضاهای عمومی شهری امروزی به خوبی مورد کاوش قرار نگرفته است. هدف از این پژوهش، بررسی نقش عناصر تجمع پذیر در محله های سنتی به منظور ارتقاء تعاملات اجتماعی است. در این راستا در پژوهش حاضر، روش تحقیق بر اساس هدف، از نوع کاربردی و براساس روش و ماهیت، توصیفی - تحلیلی است. نتایج تحقیق حکایت از آن دارد که نقش عناصر تجمع پذیر محله های سنتی در فضاهای عمومی شهری، سبب ایجاد در تعاملات اجتماعی شده است به گونه ای که این عناصر در محله های سنتی، نقش فعالیت و رویدادهای مکان، خاطرات جمعی و... را به خوبی داشته اند.

واژگان کلیدی: محله، تعاملات اجتماعی، تجمع پذیر، سنتی، مکان های شهری.

### ۱- مقدمه

محله ها دارای یک سری عناصر شاخص هستند که باعث ایجاد تعاملات اجتماعی می شوند. مکانهایی برای حضور شهروندان و مشارکت آنان در زندگی جمعیشان هستند، که پرداختن به کیفیات آنها سرزندگیشان را به حداکثر می رساند. در سالهای اخیر، محیط کالبدی که در برخی شهرها ایجاد شده است، به طور عملی از مناسبات دوستانه شهروندان جلوگیری کرده و مردم را از تعاملات اجتماعی مناسب دلسرد نموده است. راه حل این مسئله از نظر اندیشمندان علوم اجتماعی، بازسازی این روابط با اتخاذ راهکارهایی مانند فراهم آوردن عرصه های تعامل می باشد. هنگامی که در برنامه ریزی و طراحی فضاهای شهری بتوان به گونه ای عمل کرد که مشوق حرکت پیاده در شهر شد، آنگاه حضور پذیری، سرزندگی، دیدن و دیده شدن به شهر برگشته و چنین کیفیت هایی باعث افزایش سطح تعاملات اجتماعی شده و فضای شهری و محله های وابسته به آن به تعریف و جایگاه واقعی خود بر خواهد گشت. اما امروزه مکان های ناامن حضور مردم را در محله ها و شهرها به عنوان شهروندان جامعه مدنی، کمرنگ ساخته اند. بنابر این می بایست در ابتدا امنیت مکان ها فراهم شود تا پیرو آن بتوان مردم را به حضور و مشارکت در فضاهای شهری ویژه آنان فراخواند (سیف الهی فخر و همکاران، ۱۳۹۲). به این ترتیب احساس جمعی اجتماع های محلی و وابستگی های احساسی به یک مکان در حال ناپدید شدن است. (Huffman, 2006) هدف از این پژوهش، بررسی نقش عناصر تجمع پذیر در محله های سنتی بمنظور

ارتقاء تعاملات اجتماعی است. در این راستا در پژوهش حاضر، روش تحقیق بر اساس هدف، از نوع کاربردی و براساس روش و ماهیت، توصیفی-تحلیلی است.

## ۲- محله

فضای شهری، ظرف و مکان بروز زندگی اجتماعی افراد جامعه است که براساس پایه های فکری خرد گرایانه، مشارکت مدنی آحاد جامعه و رفتارهای جمعی شکل گرفته بر پایه ارزشهای انسانی شکل می گیرد. این تعامل اجتماعی و مشارکت مردمی را می توان عنصر اصلی و اساسی محتوای فضای شهری بر شمرد که روابط انسانی و فعالیت‌های شهری را تحت تاثیر خود قرار می دهد (پارسی، ۱۳۸۱). به طور کلی، مفهوم و واژه محله می تواند از ابعاد مختلف تعریف شود. هر یک از این ابعاد مختلف، تعریف خاص خود را ارائه می دهند. برای مثال، بر اساس ادبیات جهانی، دو واژه Neighbourhood و Township را می توان به منزله محله ترجمه کرد، در حالی که جمعیت آنها به ترتیب برای ۲۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰ نفر و ۱۵۰۰۰ تا ۴۰۰۰۰ نفر را در بر می گیرد. واژه اول، محله مسکونی است که دارای هویت مشخصی است، اما واژه دوم به محدوده ای اطلاق می شود که علاوه بر بزرگی در اندازه، دارای فرصت های شغلی متنوع است. این محله دارای تجهیزات لازم از جمله مدرسه، سوپر مارکت و مراکز تفریحی است (Barton, et al, 2003). در ایران، محله کالبد سکونت و اشتغال ۱۲۵۰ - ۷۰۰ خانوار (در حدود ۶۲۵۰ - ۳۵۰۰ نفر) با دامنه نوسان شعاع دسترسی پیاده (۵-۴ دقیقه) تعریف می شود (حبیبی و مسائلی، ۱۳۷۸).

## ۳- تعاملات اجتماعی

انسان، موجودی اجتماعی است و در تعامل با دیگر انسان هاست که می تواند به حیات اجتماعی خود ادامه دهد. اما از آن جا که پیچیده ترین کنش ها نیز در همین تعاملات اجتماعی بین انسان ها ایجاد می شود، برقراری و حفظ ارتباط سالم بین افراد یکی از دشوارترین کارها محسوب می شود. انسان در نهاد خود پذیرای تمام انسان های دیگر است اما در گذر زمان و به علت کسب تجربیات مختلف به میزان زیادی این باور را از دست می دهد و در وضعیت نامناسب به برقراری ارتباط با دیگران می پردازد. تعامل اجتماعی به معنای ایجاد رابطه بین دو نفر یا بیشتر است که منجر به واکنشی میان آنها شود و این نوع واکنش برای هردو طرف شناخته شده است. بنابراین روابط بدون معنا در زمره این تعریف قرار نمی گیرند. البته تعارف دیگری نیز برای تعاملات اجتماعی و برقراری ارتباط، می تواند یک موضوع فیزیکی، یک نگاه، یک مکالمه و ارتباط بین افراد باشد که خود مستلزم تعریف رویدادها و فعالیت های متناسب و در نتیجه نقش پذیری مردم در فضا و عضویت آنها در گروه ها و شبکه های اجتماعی است (دانشپور و چرخچیان، ۱۳۸۶).

## ۴- عناصر تجمع پذیر مؤثر بر تعاملات اجتماعی

افراد بر اساس منافع خود، ارتباطات اجتماعی را شکل داده و بر اساس توقعات، هنجارها و نقشهای معین خود، به آن می پردازند. بنابراین نحوه حضور فرد در مکان به همراه سایرین، عاملی قوی در تصمیم فرد برای ماندن در آن است. در این راستا حتی ممکن است افراد در جستجوی مکان هایی که در آن، افرادی با خصوصیات مشابه آن ها به لحاظ طبقه، قوم، مذهب، گروه اقتصادی، الگوی زندگی، تحصیلات، درآمد، نحوه تربیت کودکان و نژاد مشابه حضور دارند، بشناسند. اما بآنکه همگن بودن افراد، مشوق ملاقات و افزایش تعامل با مکانهای فیزیک و اجتماعی و در نتیجه ارتقای دلبستگی به آن مکان است، درعین حال مکانهای اجتماعی غیر همگن نیز فرصتی است تا افراد باهم بودن و تعاملات اجتماعی غنی و آزاد را تجربه کنند (Marcus & Sarkissian, 1986). در ادامه عناصر تجمع پذیر که بر تعاملات اجتماعی نقش دارند رو به طور مختصر بررسی می نمایم.

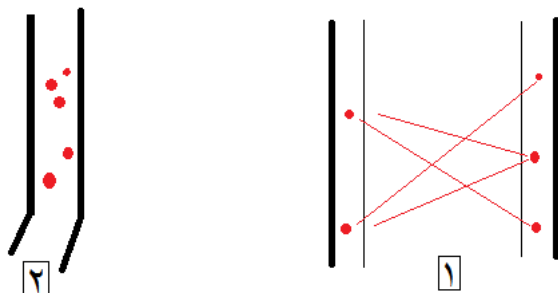
#### ۴-۱- پیاده روها (معايير کم عرض)

سنت زندگی شهری ما یک سنت زندگی محله‌ای بوده نه کلان‌شهری. در کلان‌شهرهای امروزی عملاً فرصتی برای تعاملات اجتماعی پیدا نمی‌شود. در برخی مناطق شهرها حتی پیاده‌رو پیدا نمی‌شود و این حالی است که پیاده‌رو در گذشته جایی برای تعامل همسایگان بوده است. فضاهای شهری پیاده مدار، مکانهایی برای حضور شهروندان و مشارکت آنان در زندگی جمعیشان هستند که پرداختن به کیفیات آنها سرزندگیشان را به حداکثر می‌رساند. مکان‌های ناامن حضور مردم را در شهر به عنوان شهروندان جامعه مدنی، کم‌رنگ می‌سازند. پیاده محوری از جمله راه‌هایی است که می‌تواند در تجدید حیات مدنی مراکز شهری مؤثر باشد و از طریق افزایش زمینه حضور شهروندان در مکانهای جمعی، تعاملات و همبستگی اجتماعی را بیشتر می‌کند (سیف‌الهی فخر و همکاران، ۱۳۹۲). در واقع، محدوده‌های پیاده قسمتهایی از فضای شهری هستند که به دلیل دارا بودن برخی ظرفیت‌های ویژه در تمام یا بعضی ساعات شبانه روز بر حرکت سواره بسته شده و به طور کامل به حرکت عابران پیاده اختصاص داده می‌شود (Cratan, 2008). در این زمینه، لیدن 1 فرضیه‌ای را مورد آزمایش قرار داد که محله‌های پیاده محور با کاربری مختلط می‌توانند تعاملات اجتماعی را نسبت به محله‌هایی که فاقد این ویژگیهاست و به اتومبیل وابسته‌اند، بیشتر ارتقاء دهد. نتایج آزمون وی در جدول ۱ گواه آن است که در مکانهایی که افراد تشویق به حرکت پیاده شده‌اند، سطح تعاملات اجتماعی افزایش یافته است.

جدول ۱: آزمون لیدن، مقایسه محلات پیاده محور و حومه‌های وابسته به اتومبیل (منبع: سیف‌الهی فخر و همکاران، ۱۳۹۲)

محلات پیاده محور با کاربری مختلط در برابر حومه‌های وابسته به اتومبیل: ایرلند، ۲۰۰۱ (مقایسه میانگین‌ها با استفاده از آزمون t)		
محله پیاده محور با کاربری مختلط	محله حومه‌ای وابسته به اتومبیل	
۷.۳۵	۴.۷۲	قابلیت پیاده روی در محله
۲.۹۴	۲.۳۹	احساس ارتباط یا تعلق به اجتماع
۲.۶۷	۲.۲۲	آشنایی با همسایگان
۲.۳۲	۲.۰۹	شاخص اعتماد
۰.۳۲	۰.۱۷	ارتباط با نمایندگان منتخب
۰.۵۱	۰.۱۹	توانایی پیاده روی تا محل کار

یکی دیگر از معیارهای اصلی پیاده راه‌ها با تاکید بر تعاملات اجتماعی، معیار امنیت می‌باشد. جان لنگ نیز در مدل نیازهای انسانی که ارائه کرده، امنیت را به عنوان یکی از نیازهای اساسی در مرتبه دوم قرار داده است (Carmona, 2006). بدین ترتیب مساله امنیت فضای شهری پیاده مدار بسیار واجد اهمیت است. نکته دیگر در این رابطه این است که در گذشته معابر و پیاده‌روها کلاً در قالب کوچه‌های کم‌عرض بوده‌اند که علاوه بر مسائل اقلیمی، فرهنگی و... باعث ایجاد تعامل در بین افرادی می‌شد که از آن معابر عبور می‌کردند شکل ۱ به خوبی این مسئله رو نمایش داده است، در قسمت ۲ شکل ۱، ناخودآگاه افراد در برخورد با هم حداقل یک سلام کردن را دارند، اما در قسمت ۱ از شکل ۱، سیاست گزاران امروزه به خاطر یک سری اهداف، سعی می‌کنند این تعامل را تا حد امکان از بین ببرند، نمونه بارز این سیاست تبدیل معابر و پیاده‌روها به خیابان و الویت دادن به خودرو هست که به بهانه گسترش شهر و زندگی مدرن و... این طرح اجرا شده است و افراد دیگر در مثل محله‌های گذشته کمتر در تعامل هستند.



شکل ۱: ۱- از بین بردن تعاملات در محله‌های مدرن ۲- وجود تعاملات در معابر سنتی (منبع: نگارندگان، ۱۳۹۵)

## ۲-۴- واحد همسایگی (مراکز محله‌ها)

کلارنس پری الگوی در سطح واحد همسایگی را به منزله محیطی اجتماعی - کالبدی برای توسعه مناطق مسکونی شهری پیشنهاد کرد. پری چهار عنصر اصلی را برای چنین محیطی تعریف کرد که شامل یک مدرسه ابتدایی، پارک کوچک یا زمین بازی، فروشگاه‌های کوچک و ترکیبی از ساختمان‌ها، خیابان‌ها و خدمات عمومی با دسترسی ایمن پیاده بود (Perry, 1939). در واقع هر واحد همسایگی جزئی از کلیت یک محله را تشکیل می‌دهد، که هر کدام از این واحدها باعث ایجاد تعامل در بین ساکنین می‌شود که در نهایت از طریق سلسله مراتب این تعامل در کل بافت محله بوجود می‌آید.

## ۳-۴- نشانه‌های شهری

خلق نشانه‌های و نمادهای شهری در سطح محله، در نقاط مکث، مرکز اصلی، مراکز فرعی، میادین و یا در امتداد محورهای پیاده و سواره به کنش متقابل بین آنها می‌انجامد و به این ترتیب نیروهای سازمان دهنده فضا را در سطح محله به جریان می‌اندازد. این گونه نشانه‌ها غالباً ارتفاعی بلند تر از سایر عناصر پیرامون خود دارند، رابطه‌ای ساختاری بین عناصر کالبدی - فضایی ایجاد می‌کنند که پیش از این استقرار آنها، مستقل و بی‌نظم به نظر می‌رسید (حبیبی، ۱۳۸۱). نمادها با استقرار در محله‌ها سیمای قسمت‌های مختلف محله را متمایز ساخته و با توجه با شاخص بودنشان باعث جذب و تجمع ساکنین محله، و در نهایت برقراری تعامل بین ساکنین می‌شود. مناره‌ها، مساجد، وجود یک درخت شاخص، المان‌های شهری و غیره نمونه‌های از این نشانه‌های شهری می‌باشند.

## ۴-۴- هویت مکانی

امروزه مبحث هویت مکانی شهروندان و حیات اجتماعی شهر از مسائل بسیار مهم زندگی شهری در جهان و ایران است. عوامل و عناصر مختلفی می‌توانند در زمینه هویت و مسائل اجتماعی شهروندان اثر گذار باشند که یکی از مهم‌ترین آن‌ها منظر شهری است. در واقع، دو مقوله هویت و منظر شهر دارای تعاملات و پیوندهای متقابلی هستند. حضور نداشتن مردم در فضاهای جمعی از علل مهم کاهش حیات اجتماعی و احساس تعلق ساکنان است. به نظر می‌رسد کاهش حضور شهروندان در این فضاها ناشی از نبود محیط مناسب و فقدان کیفیت منظر شهری است. افزایش کیفیت فضاهای شهری و طراحی مناسب منظر شهری شاید بتواند زمینه حضور ساکنان را در سطح شهر فراهم سازد و شهروندان در این فضاها حضور یابند. در نتیجه سرزندگی و نشاط ناشی از حضور شهروندان در رشد اجتماعی و فرهنگی جامعه و احساس هویت شهروندی و مکانی مؤثر خواهد بود. بنابراین منظر شهری می‌تواند به عنوان عاملی مهم در حیات اجتماعی شهرها بررسی شود. (سیاف زاده و همکاران، ۱۳۹۱). اکنون با مشکلات عدیده‌ای در زمینه‌های مختلف از جابه‌جایی جمعیت ساکن و بومی، کاهش احساس تعلق مکانی، عدم ماندگاری جمعیت به مدت طولانی و کاهش حضور شهروندان در فضاهای شهری مواجه است (میره، ۱۳۹۰).

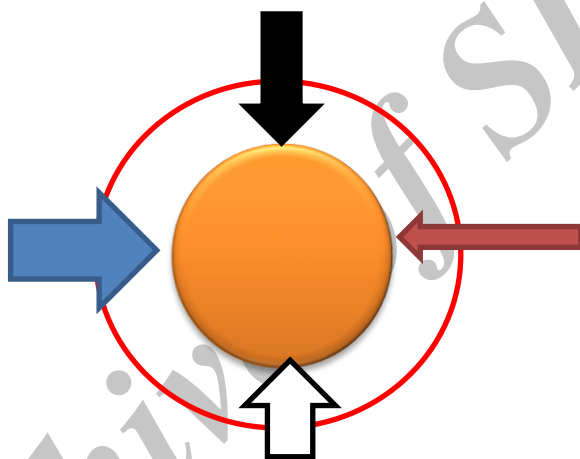
## ۵-۴- منظر

منظر شهری عینیتی است که مستقل از انسان وجود دارد و توسط او ادراک می‌شود. بستر منظر شهر، هندسه، فضا، کالبد و به عبارت دیگر، فرم کالبدی است. همه این تلقی‌ها با رواج تعریف ارسطویی از شهر صورت می‌گرفت؛ اگرچه نویسندگان آن‌ها تلاش می‌کنند تعبیر قدیمی را با آرایش جدید و ادبیات روز عرضه کنند، حاکمیت تلقی کالبدی از شهر در متن تعبیر آنها نهفته است (منصوری، ۱۳۸۹). اصلی‌ترین عامل تعیین‌کننده منظر شهری مسیرها هستند که به واسطه چگونگی ارتباطشان با یکدیگر، وضوح و خوانایی، شکل ظاهری شان و تجهیزات و علائم ترافیکی موجود در آنها، ویژگی بصری متفاوتی را ارائه می‌دهند (محمودی، ۱۳۸۱). هر فضا با آنکه یک موجود خارجی مستقل است، ولی در فرآیند ادراک تبدیل به یک پدیده ذهنی می‌شود. ما در فرآیند این همانی، از این تصویر ادراکی و ذهنیت خود بهره گرفته و عینیت را با آن می‌سنجیم لذا تشخیص هویت در واقع نوعی ارزش‌گذاری یا تعیین یکفیت است که ارتباط کاملی با اندوخته‌های ذهنی فرد، از تجربیات مستقیم

گرفته تا فرهنگ و سنت او، دارد (پاکزاد، ۱۳۷۵). گرچه توجه به منظر شهری اغلب به عنوان پدیده ای بصری است، در عین حال خاطرات را بر می انگیزاند، تجارب را یاد آوری می کند و واکنش های احساسی را به وجود می آورد (Carmoon, 2006).

#### ۴-۶- خاطره جمعی و میدان (گره)

آنچه بایستی در رابطه میان مکان و خاطر ه جمعی مدنظر قرار گیرد آنست که مکان وقوع خاطره بایستی انعطاف پذیر بوده و خود را با تغییرات ناشی از زمان و رویدادهای تازه تطابق دهد. تنها در این صورت است که مکان به مکانی خاطره ای برای تمامی نسل ها و گروه ها تبدیل خواهد شد. بنابراین عناصر مؤثر بر شکل گیری و تداوم خاطره را بایستی در مؤلفه هایی جستجو کرد که برقراری روابط اجتماعی، شکل گیری گروه ها، وقوع رویدادها و شکل گیری تصویر ذهنی را سبب می شوند. براساس مطالعات اسنادی این مؤلفه ها عبارتند از: تجمع پذیری، سکون، یکپارچگی، تعیین فضایی، انعطاف پذیری، تداوم، شناسایی، جهت یابی و شفافیت، مکث و توقف افراد، شکل گیری روابط اجتماعی و رویدادها و در نتیجه شکل گیری خاطره را فراهم می آورند. تعیین فضایی و یکپارچگی، به شکل گیری تصویرذهنی از فضا کمک می کنند. نمونه از این فضاها که دارای قابلیت فوق باشد را در میدانها می توانیم مشاهده کنیم، از مهم ترین ویژگی های فضایی میداین تجمع پذیری می باشد که نقش مهمی در برقراری تعاملات اجتماعی در بین افراد هر محله ای را دارد (شکل ۲).



شکل ۲- نقش رویدادها و شکل گیری گروهها در تعاملات اجتماعی میداین محله ها. منبع (نگارندگان، ۱۳۹۵)

خاطرات جمعی مشترک افراد پس از انقلاب در اکثر میداین کاهش شدیدی را شاهد بود که این امر را می توان در نتیجه کاهش تجمع پذیری میداین ها دانست. بنابراین هر چه تجمع پذیری میداینی بیشتر باشد، زمینه مناسب تری برای شکل گیری خاطره جمعی فراهم شده و خاطرات جمعی به وقوع پیوسته در میداین افراد بیشتری را درگیر نموده و میداین جایگاه ویژه ای در خاطرات جمعی مردم می یابد. بنابراین هر چه تعیین فضایی بیشتر باشد، تصویر ذهنی قویتری از فضا در ذهن نقش بسته و یادآوری خاطره بیشتر متکی به مکان خواهد بود. که نتیجه آن ایجاد تعاملات اجتماعی خواهد بود (آزاد و پرتوی، ۱۳۹۲).

#### ۵- بحث و نتیجه گیری

محله ها دارای یک سری عناصر شاخص هستند که باعث ایجاد تعاملات اجتماعی می شوند. مکانهایی برای حضور شهروندان و مشارکت آنان در زندگی جمعیشان هستند، که پرداختن به کیفیات آنها سرزندگیشان را به حداکثر می رساند. در سالهای اخیر، محیط کالبدی که در برخی شهرها ایجاد شده است، به طور عملی از مناسبات دوستانه شهروندان جلوگیری کرده و مردم را از تعاملات اجتماعی مناسب دلسرد نموده است. شکل آپارتمان ها و منازل مسکونی امروزی هر چند بیشترین قرابت مکانی را به هم دارند، ولی بیشترین فاصله اجتماعی هم بین آنها حاکم

است. با توجه به آنچه که در نقش عناصر تجمع پذیر در محله های مسکونی بمنظور ارتقاء تعاملات اجتماعی مورد بحث و ارزیابی قرار گرفت، فضاهای شهری تجمع پذیر، مکانهایی برای حضور شهروندان و مشارکت آنان در زندگی جمعیشان هستند که پرداختن به کیفیات آنها سرزندگیشان را به حداکثر می رساند. در این راستا، مبانی نظری محله، تعاملات اجتماعی و عناصر موثر در ایجاد تعاملات اجتماعی بررسی شد. با بررسی این عناصر و تحلیل آنها در محله های سنتی، می توان به این نتیجه رسید که، اکثر این عناصر نقش مهمی در تعاملات اجتماعی، فضاهای همگانی شهری دارند که این امر سبب حضور پر رنگ ساکنین محله ها در فضای زندگی‌شان شده است که در نهایت باعث پایداری جامعه می شود. در پایان پیشنهاد می شود روی اصول و ضوابط شهرسازی تجدید نظر شود و به اجتماعات محلی، خانواده‌ها و کودکان در معماری شهرها و یا حداقل محله ها توجه شود، نه به محلی برای عبور خودروها. شهرهای امروز بر اساس خودرو محور سامان یافته و نیاز به تغییر برای بهبود سبک زندگی دارد. بر اساس شهرسازی و معماری ایران، اجتماعات محلی اولویت داشته‌اند نه کلان شهرها. شهر باید طوری گسترش یابد که آسیبی به روابط و تعاملات اجتماعی وارد نکند. بنابراین نیاز به یک تجدید نظر اساسی و جدی در مدیریت معماری شهری، وجود داد. انسان کامل و چندبعدی باید مبنای تصمیم‌گیری‌ها باشد، خانواده، کودکان، کهنسالان و معلولان و جانبازان باید در جامعه اولویت باشند. مناسبات اجتماعی در جایی که انسان‌ها هم سطح هستند رخ می‌دهد نه در جایی که شکاف‌های عمیق طبقاتی وجود دارد.

## منابع

- ۱- آزاد، زهرا، پرتوی، پروین، (۱۳۹۲)، بررسی تطبیقی جایگاه میداين تهران در حفظ و ارتقای خاطر همجعی شهروندان (نمونه موردی: میدان تجریش و میدان بهارستان)، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات شهری، شماره چهارم.
- ۲- بهزادفر، مصطفی و طهماسبی، ارسلان، (۱۳۹۲)، شناسایی و ارزیابی مولفه های تاثیرگذار بر تعاملات اجتماعی، تحکیم و توسعه روابط شهروندی در خیابان های شهری: نمونه مورد مطالعه سنندج، فصلنامه علمی- پژوهشی مرکز پژوهشی هنر معماری و شهرسازی نظر، شماره ۲۵، صفحه ۲۸-۱۷.
- ۳- پارسی، حمید رضا، (۱۳۸۱)، شناخت محتوای فضای شهری، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۱۱، صفحه ۴۱ تا ۴۹.
- ۴- پاکزاد، جهانشاه، (۱۳۷۵)، هویت و این همانی با فضا، مجله صفا، شماره ۲۱ و ۲۲ تابستان، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- ۵- سیاف زاده، علیرضا، میره ای، محمد، نوده فراهانی، مرتضی، (۱۳۹۱)، نقش کیفیت منظر شهری در ایجاد حیات اجتماعی و هویت مکانی شهروندان (مطالعه موردی: بزرگراه نواب)، فصل نامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی ص ۲۹-۳۹.
- ۶- سیف الهی فخر، سپیده، لاریمیان، تایماز، معززی مهر طهران، معززی مهر طهران، (۱۳۹۰)، تعیین شاخص های موثر در خلق مکانهای امن پیاده مدار جهت ارتقاء تعاملات اجتماعی (نمونه موردی: خیابان بهار آزادی محله خاک سفید تهران)، نشریه علمی- پژوهشی انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران، شماره ۵، بهار و تابستان، صفحات ۸۵-۹۵.
- ۷- حبیبی، سید محسن، (۱۳۸۱)، چگونگی الگوپذیری و تجدد سازمان استخوان بندی محله، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۱۳، بهار ۸۲، صفحه ۳۹-۳۲.
- ۸- حبیبی، سیدمحسن، مسائلی، صدیقه، (۱۳۷۸)، سرانه کاربری های شهری، سازمان ملی زمین و مسکن، تهران.
- ۹- محمودی، محمد مهدی، (۱۳۸۱)، تاثیر بزرگراه های درون شهری در تغییر منظر شهری تهران، فصلنامه هنرهای زیبا، شماره ۱۲ زمستان، پردیس هنرهای زیبا دانشگاه تهران، تهران.
- ۱۰- میره، محمد، (۱۳۸۹)، گزارش طرح پژوهشی آسیب شناسی سیما و منظر شهری تهران، نمونه موردی: بزرگراه نواب، گروه منظر شهری پژوهشکده فرهنگ و هنر جهاد دانشگاهی، تهران.
- ۱۱- منصوری، سید امیر، (۱۳۸۹)، چیستی منظر شهری، ماهنامه منظر، شماره نهم، مرکز تحقیقات نظر، تهران.
12. Barton, Hugh, et al (2003), Shaping Neighbourhoods: A guide for health, sustainability and vitality, SponrPess, London and New York.

13. Carmona M; Heath T; and Tiesdell S.(2003). Public places urban spaces. New York:Architectural press.
14. Cratan, F.(2008). Side Walk in Urban Planning. London.
15. Huffman, R.(2006). The Value of Urban Open Space. Urban Land, 65(1):108-111.
17. M. Carmona, T. Heath, T. Oc, S. Tiesdell(2006), Public Spaces- Urban Spaces, Architectural press, UK.
18. CC, Sarkissian W(1986). Housing as if People Mattered, Berkeley, University of California Press.
19. Perry, Clarence(1927), The Neighbourhood Unit Formula, Reprinted in William L. C. Wheaton et al., eds.(1939), Housing for Machine Age, Russell Sage Foundation, New York.

Archive of SID